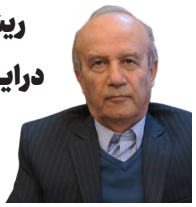
تازه‌های اقتصاد

شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵ شماره ۸۹



ریشه نوسانات ارزی در ایران سیاسی است

(صفحه ۲)



ذخایر ارزی، پشتوانه ثبات بازار ارز و مهار تورم

(صفحه ۳)

نزولی شدن تورم نقطه به نقطه برای اولین بار در ۲۰ ماه گذشته

بانک مرکزی برای مهار تورم چه کرد؟

سال گذشته و پیش از آنکه جنگ سوم تحمیلی علیه کشور درگیرد، در موارد متعدد اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی برای سال ۱۴۰۵ مواجهه با ابرتورم را پیش‌بینی کرده بودند. در آخرین ماه سال با وقوع جنگ نیز شرایط اقتصادی کشور در مرحله‌ای تازه قرار گرفت که حتی مردم را دچار این واهمه کرده بود که برای تامین کالاهای اساسی هم به مشکل بخورند؛ اما در نهایت با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته طی مدت جنگ ۴۰ روزه کمبودی در کالاهای مورد نیاز مردم مشاهده نشد، البته در موارد متعددی قیمت‌ها بالا رفت اما همچنان کالاهای مختلف در بازار در دسترس بود.

حال نیز پنج ماه از سال جدید گذشته و با وجود درگیری‌های نظامی، تحریم و محاصره دریایی نه تنها تورم سه رقمی نشد بلکه استناد آخرین آمارهای ارائه شده تورم ماهانه تیر ماه حتی نصف خرداد ماه بوده و از ۷.۴ درصد تورم ماهانه در خرداد به ۳.۶ در تیر رسیده است.

این در حالیست که حتی تاثیر جنگ اخیر به حدی بوده که کارشناسان بانک جهانی هشدار داده‌اند تداوم این جنگ می‌تواند تورم جهانی را دو برابر کند. اما اینکه در چنین وضعیتی چطور تورم ماهانه حتی بیش از ۵۰ درصد کاهش داشته، موضوعی است که ریشه در تصمیمات متعدد سیاست‌گذار اقتصادی دارد.



یادداشت روز

نوسان بازار ارز؛ واقعیت اقتصادی یا جنگ رسانه‌ای؟



حسین امامی
پژوهشگر و دبیر سابق روابط عمومی شورای هماهنگی بانک‌ها

در این روزها که تکلیف جنگ و صلح مشخص نیست، بازار ارز معمولاً به یکی از حساس‌ترین بخش‌های اقتصاد تبدیل می‌شود. افزایش نرخ ارز در چنین شرایطی پرسشی جدی در افکار عمومی ایجاد می‌کند: اگر قیمت‌ها واقعاً بالا می‌روند، چرا بخشی از این التهاب به جنگ رسانه‌ای نسبت داده می‌شود؟

پاسخ واقع‌بینانه این است که افزایش نرخ ارز را نمی‌توان صرفاً محصول شایعه دانست. اقتصاد ایران با مشکلاتی مانند تورم مزمن، رشد نقدینگی، ناترازی‌های مالی، محدودیت‌های تجاری و دشواری انتقال ارز روبه‌روست. جنگ اخیر آمریکا و اسرائیل با ایران نیز سطح نااطمینانی و تقاضای احتیاطی را افزایش داده است. انکار این واقعیت‌ها نه تنها کمکی به آرامش بازار نمی‌کند، بلکه اعتماد عمومی را نیز کاهش می‌دهد.

با این‌حال، واقعی بودن زمینه‌های اقتصادی به این معنا نیست که هر عدد، تحلیل یا پیش‌بینی منتشرشده درباره بازار ارز نیز معتبر است. جنگ رسانه‌ای معمولاً بحران را از هیچ نمی‌سازد؛ بلکه بر یک مشکل واقعی سوار می‌شود، آن را بزرگ‌تر نشان می‌دهد و جامعه را به تصمیم‌گیری شتاب‌زده سوق می‌دهد.

هدف عملیات رسانه ای فقط افزایش عددی نرخ ارز نیست. هدف مهم‌تر، مختل‌کردن قدرت تحلیل جامعه است؛ به‌گونه‌ای که مردم نتوانند میان روندهای اقتصادی بلندمدت و نوسانات ناشی از ترس، شایعه و تقاضای هیجانی تفاوت بگذارند.

ادامه مطلب را در لینک بخوانید

بخشودگی جرایم مالیات برارزش افزوده مشروط به تسویه تا ۲۵ مرداد

نرخ اوراق حق تقدم مسکن نسبت به فروردین ماه ۲۲ درصد کاهش یافت

۱۷۶ هزار کارتخوان مشکوک به فرار مالیاتی شناسایی شد

آغاز اجرای آزمایشی استفاده از کارت بانکی برای سوخت‌گیری

ریشه نوسانات ارزی در ایران سیاسی است

لطفعلی بخشی؛ اقتصاددان، با بیان اینکه مسئله ارز در ایران، پیش از آنکه اقتصادی باشد، سیاسی است، اظهار کرد: بدون تعارف باید پذیرفت که کشور ما با برخی از کشورهای جهان که ارزهای معتبر و جهان‌روا دارند، با چالش و تنش مواجه است. همین موضوع باعث شده روابط مالی و تجاری ایران از حالت عادی خارج شود و اقتصاد کشور هزینه‌های سنگینی را متحمل شود.

> **" ایران یک کشور عادی در مبادلات جهانی نیست و این موضوع باعث شده است که مبادلات و دریافت پول با محدودیت‌هایی روبه رو باشد که در علم اقتصاد به این وضعیت هزینه مبادله گفته می‌شود؛ این هزینه در ایران به شدت بالاست "**

بخشی افزود: ایران تحت تحریم قرار دارد و به همین دلیل ارتباطات مالی و بانکی کشور طبیعی نیست که در چنین شرایطی، تامین ارز با دشواری‌های فراوانی همراه می‌شود چراکه ناچاریم نفت خود را با تخفیف بفروشیم، منابع حاصل از آن را از مسیرهای غیرمستقیم و پرریسک جابه‌جا کنیم و در بسیاری از موارد نیز بخشی از این منابع در همین مسیر از بین می‌رود؛ بنابراین عرضه ارز در کشور همواره با محدودیت مواجه است.

وی ادامه داد: در مقابل، تقاضا برای ارز همچنان در کشور وجود دارد و در بعضی از برهه‌های زمانی نیز تقاضا افزایش می‌یابد. زمانی که عرضه محدود و تقاضا پابرجا باشد، طبیعی است تعادل بازار بر هم بخورد و با هر شوک سیاسی یا امنیتی، نرخ ارز دستخوش نوسان شود.

این اقتصاددان با مقایسه شرایط ایران با سایر کشورها گفت: تفاوت ایران با کشورهایی که روابط عادی با جهان دارند، بسیار قابل توجه است. کشوری که با دنیا در تعامل عادی قرار دارد، کالا صادر و ارز حاصل از صادرات را بدون هزینه و محدودیت دریافت و نیازهای داخلی خود را نیز به‌راحتی تامین می‌کند، اما در مقابل ایران در چنین شرایطی قرار ندارد.



یکسال پس از تجارت آزاد اوراسیا؛ مسیر صادرات ایران چقدر هموار شد؟

اردیبهشت‌ماه سال گذشته، تجارت ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا وارد مرحله تازه‌ای شد؛ زمانی که موافقتنامه تجارت آزاد میان دو طرف پس از طی مراحل قانونی اجرایی شد تا با حذف بخش قابل‌توجهی از تعرفه‌ها، دروازه‌های بازار روسیه، قزاقستان، بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان بیش از گذشته به روی کالاهای ایرانی باز شود. حالا با گذشت بیش از یک سال از اجرای این توافق، باید بررسی کرد که آیا فرصت‌های ایجادشده در چارچوب تجارت آزاد توانسته به افزایش مبادلات میان ایران و اعضای اوراسیا منجر شود و جایگاه ایران در این بازار بزرگ منطقه‌ای را ارتقا دهد؟

اجرای توافق تجارت آزاد ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در شرایطی آغاز شد که بررسی ظرفیت‌های تجاری دو طرف نشان می‌دهد هنوز بخش قابل‌توجهی از توان صادراتی ایران در این بازار بالفعل نشده است. بر اساس برآوردها، ایران حدود ۲۶ میلیارد دلار ظرفیت صادراتی دارد که از این میزان، نزدیک به ۱۱ میلیارد دلار ظرفیت محقق‌نشده باقی مانده است؛ ظرفیتی که با رفع موانع تجاری، بهبود زیرساخت‌ها و افزایش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان می‌تواند به رشد صادرات ایران به کشورهای عضو این اتحادیه منجر شود.

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های صادراتی ایران در بازار اوراسیا، محصولات پتروشیمی و پلیمری است. پلیمرها بخش قابل‌توجهی از ظرفیت استفاده‌نشده صادراتی ایران را به خود اختصاص داده‌اند و حدود ۷۶۶ میلیون دلار ظرفیت صادراتی بلااستفاده در این حوزه وجود دارد. با این حال، توسعه تجارت با اوراسیا می‌تواند فرصتی برای حرکت از صادرات مواد اولیه و محصولات پایین‌دستی به سمت کالاهای با ارزش افزوده بالاتر نیز باشد.

بهبود وضعیت بنیادی شرکت‌ها، موتور رشد بورس در سال جاری

مجتبی شهبازی، کارشناس بازار سرمایه، با اشاره به انتشار گزارش‌های ماهانه و فصلی شرکت‌های بورسی در سامانه کدال، اظهار کرد: بررسی این گزارش‌ها نشان می‌دهد وضعیت بنیادی شرکت‌های بورسی در سال جاری به شکل محسوسی بهبود یافته است. به‌ویژه در گروه بانکی، عملکرد شرکت‌ها نسبت به گذشته تقویت شده و این موضوع در گزارش‌های منتشرشده کاملاً قابل مشاهده است.



وی افزود: بهبود وضعیت بنیادی شرکت‌های بورسی موجب شده بازار سرمایه، با وجود شرایط ناشی از جنگ تحمیلی، بازاری پویا و رو به رشد باشد. این شرایط باعث شده سرمایه‌گذاران بخشی از نقدینگی خود را از بازارهای سفته‌بازی به سمت بورس هدایت کنند و در نتیجه شاخص کل بورس نیز رکوردهای جدیدی را به ثبت برساند.

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به تأثیر جنگ بر روند ورود سرمایه به بورس، گفت: هرچند شرایط جنگی باعث شده ورود نقدینگی به بازار سرمایه با دشواری بیشتری انجام شود و نگرانی‌هایی درباره آسیب‌دیدن شرکت‌های بورسی وجود داشته باشد، اما با این حال بازار سرمایه همچنان توانسته نقدینگی مناسبی را جذب کند.

ذخایر ارزی، پشتوانه ثبات بازار ارز و مهار تورم

فریده خدادادی، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی اظهار کرد: افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی توانایی سیاستگذار پولی را در کنترل بازار ارز بالا می‌برد، از سویی موجب تسهیل مبادلات تجاری می‌شود که در صورت تخصیص ارز به مواداولیه، نهاده‌ها، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مشکل تامین ارز رفع می‌شود و در نتیجه هزینه تولید کاهش پیدا می‌کند که رشد صنعت را در پی دارد.

وی با بیان اینکه کاهش هزینه تولید در نتیجه تسهیل تجارت، کاهش تورم را رقم می‌زند، افزود: بهترین شیوه آزادسازی منابع ارزی، واردات آنها به صورت ارز است تا ذخایر ارزی بانک مرکزی افزایش پیدا کند و توسط دولت به بخش‌های مختلف تخصیص پیدا کند.

خدادادی با بیان اینکه مبنا برای کنترل تورم، سیاست‌های پولی بانک مرکزی است، تصریح کرد: افزایش عرضه ارز می‌تواند به کنترل نوسانات ارزی و در نهایت کنترل تورم کمک کند، از سویی با توجه به اینکه نوسانات نرخ ارز لنگر انتظارات تورمی است و یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر تورم در ایران انتظارات تورمی است، افزایش عرضه ارز با کاهش انتظارات تورمی بر تورم تاثیر می‌گذارد.

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی تاکید کرد: افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی تنها دلیل کنترل تورم نیست، باید در کنار آن سیاست‌های پولی و مالی نیز کنترل شود.



وی با اشاره به شرایط سخت پیش بینی پذیری برای اقتصاد ایران گفت: مدیریت منابع ارزی بر اقتصاد و ثبات اقتصادی کشور تاثیر زیادی دارد، همچنین سیاست‌های داخلی کشور، ثبات اقتصادی، سیاست‌های پولی و مالی، نحوه تامین کسری بودجه دولت در نرخ تورم موثر هستند.

خدادادی با تاکید بر اینکه در ایران مهم‌ترین عامل تورم کسری بودجه دولت و نحوه تامین آن است، بیان کرد: استقراض از بانک مرکزی برای تامین کسری بودجه باعث افزایش نقدینگی و تورم می‌شود.

نسخه جدید دستورالعمل واگذاری اموال مازاد چه تغییری ایجاد می‌کند؟

حرکت از مزایده محوری به حکمرانی فعال بر دارایی‌های بانکی

بانک مرکزی با ابلاغ نسخه بازنگری‌شده «دستورالعمل نحوه واگذاری اموال مازاد مؤسسات اعتباری»، گام تازه‌ای در مسیر سامان‌دهی دارایی‌های غیرمولد شبکه بانکی، کاهش انجماد ترازنامه و تقویت توان تسهیلات‌دهی برداشته است.

این اصلاحیه که در هفتادمین جلسه هیأت عالی بانک مرکزی در ۲۳ تیرماه امسال تصویب و در ۴ مرداد ۱۴۰۵ به شبکه بانکی ابلاغ شد، در عمل نشان می‌دهد که سیاست‌گذار پولی دیگر به فروش سنتی و صرفاً مزایده‌محور به‌عنوان تنها مسیر تعیین تکلیف اموال مازاد بسنده نمی‌کند و به‌دنبال ترکیبی متنوع‌تر از ابزارهای واگذاری است. فلسفه اصلی این بازنگری، تبیین دقیق‌تر نحوه واگذاری اموال و دارایی‌های شبکه بانکی در چارچوب قوانین بالادستی و نیز تسهیل فرآیند خروج دارایی‌های راکد از ترازنامه بانک‌هاست.

اهمیت این تغییر در شرایطی دوچندان می‌شود که اقتصاد ایران با محدودیت منابع، فشار بر ترازنامه بانک‌ها و نیاز به تقویت جریان اعتباری به بخش مولد مواجه است. در چنین فضایی، انباشت اموال مازاد نه‌تنها بازدهی دارایی‌های بانکی را کاهش می‌دهد، بلکه بخشی از ظرفیت اعتباری نظام بانکی را نیز در دارایی‌های کم نقدشونده قفل می‌کند.

> **" این دستورالعمل برای اموال تملک‌شده قهری، مهلت یک‌ساله تعیین کرده است؛ به این معنا که اگر دارایی‌ای با تأیید بانک مرکزی به‌صورت قهری به تملک مؤسسه اعتباری درآمده باشد، باید ظرف یک سال تعیین تکلیف شود "**

مهم‌ترین نوآوری این دستورالعمل، شکستن انحصار مزایده و به‌رسمیت شناختن مسیرهای جدید واگذاری است. بر اساس متن ابلاغی، واگذاری از طریق سازوکارهای بازار سرمایه، از جمله صندوق سرمایه‌گذاری زمین و ساختمان، صندوق سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات و توکنایز کردن دارایی‌ها مجاز شناخته شده و همچنین انتقال دارایی به شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی و نیز ترک تشریفات مزایده از طریق مذاکره و معاوضه با اموال سهل‌البیع در دستور کار قرار گرفته است. این تغییر، از منظر حکمرانی اقتصادی، معادل عبور از یک الگوی صرفاً اداری به سوی یک الگوی فعال‌تر، بازارمحورتر و قابل‌نظارت‌تر برای مدیریت دارایی‌های مازاد است.

در کنار تنوع ابزارها، بانک مرکزی همچنان بر کنترل تعارض منافع و حفظ شفافیت تأکید کرده است. قیمت پایه اموال مازاد باید توسط کارشناس یا کارشناسان رسمی خارج از مؤسسه اعتباری تعیین شود و برای اموال غیرمنقول داخل کشور، چنانچه قیمت پایه حداکثر ۱۵۰ میلیارد ریال باشد، نظر یک کارشناس رسمی کفایت می‌کند.



سایه سنگین ترامپ بر تصمیمات بانک مرکزی انگلستان

بانک مرکزی انگلستان در تصمیم ماه ژوئن خود، نرخ بهره را بدون تغییر در سطح ۳/۷۵ درصد نگه داشت و هم‌زمان بر دو واقعیت تأکید کرد؛ نخست اینکه تورم مصرف‌کننده پس از افت به ۲/۸ درصد هنوز از هدف ۲ درصدی فاصله دارد، و دوم اینکه بازار کار بریتانیا در حال نرم‌تر شدن است.

این ترکیب برای سیاست‌گذار پولی به‌معنای یک تنگنای کلاسیک است: از یک سو کاهش فشارهای داخلی، و از سوی دیگر خطر بازگشت شوک‌های وارداتی از بیرون. در چنین شرایطی، هرگونه تشدید تنش در خاورمیانه که با نقش‌آفرینی مستقیم یا غیرمستقیم دولت آمریکا و شخص ترامپ



گره بخورد، می‌تواند بانک مرکزی انگلستان را از مسیر کاهش نرخ بهره دور نگه دارد.

در حال حاضر بانک مرکزی انگلستان عملا با دو لایه از این مسئله روبه‌روست. لایه نخست، اثرات مستقیم یا غیرمستقیم تنش‌های ژئوپلیتیک بر قیمت انرژی، حمل‌ونقل، بیمه دریایی و زنجیره تأمین است. لایه دوم، اثر این شوک‌ها بر انتظارات تورمی و در نتیجه بر فضای تصمیم‌گیری کمیته سیاست پولی است. بانک انگلستان تصریح کرده که اثر شوک انرژی هنوز نامطمئن است و همین عدم قطعیت دلیل اصلی حفظ احتیاط در سیاست پولی بوده است. به بیان ساده‌تر، حتی اگر تورم داخلی رو به کاهش باشد، جهش قیمت انرژی می‌تواند زنجیره کاهش نرخ بهره را متوقف کند.

استراتژی‌های عبور از زمستان جمعیتی جهان چگونه رقم می‌خورد؟

معمای بقا در عصر سالخوردگی

جهان در سال ۲۰۲۶ میلادی با پارادوکس بزرگی مواجه است؛ همزمان با دستیابی به پیشرفت‌های خیره‌کننده در حوزه هوش مصنوعی و اتوماسیون، ستون فقرات تولید اقتصادی جهان یعنی «نیروی کار» در حال فرسایش است. گذار از «جهانی‌سازی مبتنی بر کارایی» به سمت «امنیت‌محوری مبتنی بر تاب‌آوری»، در حالی رخ می‌دهد که جوامع توسعه‌یافته در «تله جمعیتی» گرفتار شده‌اند. این گزارش، چشم‌انداز بحران سالمندی و اثرات ژرف آن بر متغیرهای کلان اقتصادی را بررسی می‌کند.

کاهش نرخ باروری (Fertility Rate) دیگر محدود به جغرافیای خاصی نیست و به یک الگوی نگران‌کننده در کشورهای G20 تبدیل شده است. بر اساس آمارهای سال ۲۰۲۶، کره جنوبی با ثبت نرخ باورنکردنی ۰.۷، بحرانی‌ترین شرایط جهانی را دارد. در ایتالیا و ژاپن، این نرخ به ۱.۲ رسیده که بسیار پایین‌تر از «حد جایگزینی» ۲.۱ است. این سقوط آماری صرفاً یک مسئله اجتماعی نیست؛ بلکه مستقیماً بر عرضه نیروی کار و تقاضای مصرفی اثر می‌گذارد. طبق گزارش صندوق بین المللی پول (IMF)، این وضعیت منجر به کاهش دائمی پتانسیل رشد اقتصادی (Potential GDP) در درازمدت خواهد شد.

نابغه ۲۵ ساله هوش مصنوعی شکست خورد

شوک نقدینگی در موفق‌ترین صندوق سرمایه‌گذاری سال ۲۰۲۶

رویدادی که در روزهای پایانی ژوئیه ۲۰۲۶ پیرامون صندوق پوشش ریسک «آگاهی موقعیتی» (Situational Awareness) متعلق به سرمایه‌گذار آلمانی «لئوپولد آشنبرنر» (Leopold Aschenbrenner)، نابغه ۲۵ ساله دنیای هوش مصنوعی منتشر شد، به یکی از مهم‌ترین نشانه‌های ناپایداری در بازار جهانی هوش مصنوعی و نیمه‌رساناها تبدیل شده است.

به نوشته یاهو فایننس، در نگاه نخست، خبر اصلی به فروش موقعیت‌های سهام عمومی این صندوق به شرکت سیتادل (Citadel) مربوط بود، اما با کنار هم گذاشتن داده‌ها و گزارش‌های رسانه‌های معتبر، روشن می‌شود که ماجرا صرفا یک جابه‌جایی دارایی نبوده، بلکه بازتاب یک فشار شدید نقدینگی در دل یکی از متمرکزترین شرط‌بندی‌های سرمایه‌گذاری روی هوش مصنوعی بوده است. اهمیت این پرونده در آن است که می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای هشداردهنده درباره ریسک‌های ساختاری در بازارهای مبتنی بر روایت «رشد نامحدود هوش مصنوعی» خوانده شود.

ویدیو





